

دوباره شوق رهایی تودلای بی قرار
بازیه حال دیگه دارن آدمای روزگار
دوباره یه حس تازه ست توی تاروپودشون
حس مبهمی مثل حس رسیدن به یار
دوباره زمزمه شبانه تابخونه اذون
دوباره نیایش هادستای روبه آسمون
سر سجاده میشینم عاشقبا چشم تر
دوباره یه حس تازه ست توی تاروپودشون
حس مبهمی مثل حس رسیدن به یار
دوباره شوق رهایی تو دلای بی قرار
بازیه حالی دیگه دارن آدمای روزگار
دوباره یه حس تازه ست توی تاروپودشون
حس مبهمی مثل حس رسیدن به یار